صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

دادگاه

خرید کتاب به جای رفتن به زندان

قاضی دادگاهی در گیلان مجرمی را به جای فرستادن به زندان به تهیه کتاب و بسته معیشتی برای دانش‌آموزان کم‌برخوردار محکوم کرد. قاضی شعبه ۱۰۷ دادگاه کیفری ۲ رشت در راستای کاهش جمعیت کیفری، این مجرم را که فاقد سابقه بود به مجازات جایگزینِ حبس محکوم کرد.

بخشش

بخشش قاتل ۹ سال پس از جنایت

جوانی که از ۹ سال قبل به اتهام قتل دستگیر و به قصاص محکوم شده بود با اعلام گذشت اولیای دم از مجازات نجات پیدا کرد. این جوان که ۳۶ سال دارد سال ۹۴ در یکی از شهرهای گیلان مرتکب قتل و با رأی دادگاه به قصاص محکوم شد. هرچند حکم او قطعی شده بود، اما سرانجام اولیای دم اعلام گذشت کردند.

آن سوی مرز

غرامت ۹۰۰هزار دلاری برای اشتباه هولناک پلیس آمریکا

دادگاه ایالتی آمریکا حکم به پرداخت غرامت ۹۰۰هزار دلاری به یک پسر جوان بیمار داده که پلیس با شکنجه، او را مجبور به اعتراف به قتل کرده بود. به گزارش همشهری به نقل از سی‌بی‌اس‌نیوز، ساعت ۱۰ شب ۷ آگوست سال ۲۰۱۸، فردی به نام توماس پرز با پلیس تماس گرفت و گفت که پدر ۷۰ساله‌اش برای هواخوری به همراه سگشان از خانه خارج شده، اما بعد از مدتی سگ به تنهایی به خانه برگشته است و خبری از پدرش نیست. ماموران پلیس وقتی به محل زندگی توماس و پدرش رفتند به رفتار توماس شک و احساس کردند که او بلایی بر سر پدرش آورده و قصد دارد حقیقت را از پلیس مخفی کند. به این ترتیب وی را به اداره پلیس فونتانا در کالیفرنیا بردند و مورد بازجویی قرار دادند. توماس به مأموران گفت: من به دلیل مشکلات روحی، قرص مصرف می‌کنم. به همین دلیل با پدرم درگیر شدم، اما یادم نمی‌آید دعوای من و پدرم بر سر چه بود. بعد از این درگیری پدرم به همراه سگ‌مان از خانه بیرون رفت.
اعترافات توماس در حالی بیان می‌شد که هیچ ردی از پدرش نبود و پلیس اطمینان پیدا کرده بود که او پدرش را کشته است. به همین دلیل بازجویی را ادامه دادند و به او گفتند که در بازرسی از خانه، لکه‌های خون پیدا کرده‌اند. آنها به توماس گفتند که اکنون پدرت در سردخانه است و تو پدرت را به قتل رسانده‌ای. این اقدامات پلیس باعث شد که توماس از روی ترس و اضطراب به قتل پدرش اعتراف کند.
بعدها در ویدئویی که به دست یکی از رسانه‌ها رسیده بود، مشخص شد که توماس چطور در زمان بازجویی شکنجه می‌شده است. این شکنجه‌ها ۱۷ساعت طول کشیده و باعث شده که توماس به فکر خودکشی بیفتد، اما موفق نشده است.
این مرد ۳روز بازداشت بود تا اینکه معلوم شد پدرش در روز حادثه به فرودگاه لس‌آنجلس رفته و از آنجا راهی شهری شده که دخترش در آنجا زندگی می‌کند. وقتی پدر توماس و خواهرش متوجه ماجرا شدند از کارآگاهان پلیس شکایت کردند. جری استرینگ، وکیل توماس به رسانه‌ها گفت: توماس تحت تأثیر شکنجه‌های پلیس موهایش را کنده بود، پیراهنش را پاره کرده بود و به خود ضربه می‌زد. او حال روحی مناسبی نداشت. تاکتیک‌های وحشتناک کارآگاهان باعث سردرگمی و پریشانی ذهنی او شده بود تا جایی که او به دروغ به کشتن پدرش اعتراف و سعی کرد خودش را هم بکشد. وکیل توماس ادامه داد: این اقدام ظالمانه یک شکنجه روحی و روانی است که به یک اعتراف دروغ از توماس و زندانی کردن او منجر شد.
وکیل توماس همه موارد اتهامی پلیس را در دادگاه اورنج کانتی کالیفرنیا مطرح و از دادگاه درخواست غرامت کرد.
خانواده توماس و وکیل او به مدت ۶سال شکایت خود را پیگیری کردند تا اینکه چند روز پیش دادگاه اورنج کانتی رأی این پرونده را صادر و پلیس را محکوم به پرداخت ۹۰۰هزار دلار غرامت به توماس پرز به دلیل بدرفتاری و شکنجه او کرد.

رویداد

گزارش دوم سانحه بالگرد رئیس‌جمهور

مرکز ارتباطات ستاد کل نیروهای مسلح، دومین گزارش هیأت عالی بررسی ابعاد و علل سانحه بالگرد شهیدان رئیس جمهور و هیأت همراه را منتشر کرد. در این گزارش آمده است:

۱ گزارش هواشناسی در ۳۰ اردیبهشت هوای حاضر و پیش‌بینی فرودگاه تبریز (مبدأ) تا مقصد اول و دوم گروه پروازی (پل آغبند و سد قیزقلعه‌سی) تا ساعت ۰۸،۵۰ صبح مساعد و متناسب با شرایط پرواز با دید بوده است، اما هوای مسیر برگشت با دریافت آخرین اسناد دریافتی و اظهارات خلبانان و سرنشینان ۲ بالگرد دیگر نیاز به بررسی بیشتر دارد.

۲ بخش اعظمی از اسناد، سوابق و مدارک مرتبط با تعمیر و نگهداری بالگرد سانحه‌دیده بررسی دقیق شد و اشکالی که بتواند در وقوع سانحه موثر باشد، مشاهده نشد.

۳ ظرفیت بالگرد از جهت تعداد سرنشین و تجهیزات، متناسب با حداکثر وزن استاندارد بالگرد در شروع پرواز و هنگام برخاستن از مبدأ تا مقصد و مسیر برگشت رعایت شده است.

۴ براساس مکالمات ضبط شده بین خلبانان آخرین تماس با خلبانان بالگرد سانحه‌دیده تا زمان وقوع حادثه و پاسخ‌ندادن آنها ۶۹ ثانیه طول کشیده است و هیچ‌گونه اعلامی مبنی بر وضعیت اضطراری ضبط نشده است. (زمان تقریبی اعلام شده (حدود ۱،۵ دقیقه) در گزارش اول با پیاده‌سازی نوار ضبط‌شده در بالگرد MIL-17، ۶۹ ثانیه تأیید می‌شود.)

۵ با توجه به نمونه‌برداری و آزمایش‌های صورت‌گرفته از بقایا و قطعات بالگرد و نحوه پراکندگی آنها و فواصل اجزای جداشده از بدنه اصلی، وقوع انفجار ناشی از خرابکاری در جریان پرواز و لحظات قبل از برخورد به دامنه ارتفاعات منتفی است.

۶ در طول مدت مأموریت و تا ۶۹ثانیه قبل از وقوع سانحه، تماس روی فرکانس‌های مشخص شده با بالگرد سانحه‌دیده برقرار بوده و آخرین تماس و پیام نیز توسط فرمانده گروه پروازی (شهید مصطفوی) صورت گرفته؛ لذا هرگونه بروز اختلال در سامانه ارتباطی یا تداخل فرکانسی منتفی است.

۷ برابر گزارش کارشناسان تخصصی، آثاری ناشی از اقدامات جنگ الکترونیک روی بالگرد سانحه‌دیده مشاهده نشده است.

۱۰سال تلاش برای ایجاد صلح و سازش در یک پرونده قتل، بی‌نتیجه ماند

ماجرای یک جنایت اشتراکی

گزارش
محمد جعفری
روزنامه‌نگار

۴جوان که ۱۰سال قبل در جریان درگیری با جوانی او را به قتل رسانده و هرچهارنفرشان به اتهام مشارکت در قتل عمدی به قصاص محکوم شده بودند با بی‌نتیجه ماندن تلاش‌ها برای جلب رضایت اولیای دم، مجازات شدند.
به گزارش همشهری، این قتل ۱۰سال قبل در یکی از محله‌های اصفهان اتفاق افتاد. مقتول جوانی ۲۲ساله بود که با چند نفر از هم‌محلی‌هایش دچار اختلاف شده بود. بر سر همین اختلافات، آنها چند مرتبه با هم درگیر شده بودند تا اینکه آخرین‌بار ۴نفر از کسانی که با جوان ۲۲ساله اختلاف داشتند تصمیم گرفتند او را به قتل برسانند.

جنایت اشتراکی

روز حادثه ۴پسر جوان که می‌دانستند طعمه‌شان از کجا عبور می‌کند، سوار بر خودرو به کمین او نشستند. وقتی چشم‌شان به پسر جوان افتاد یکی از آنها که پشت فرمان نشسته بود پایش را روی گاز گذاشت و خودرو را با سرعت زیادی به او کوبید. پسر جوان نقش بر زمین شد، اما این برخورد فقط باعث مصدومیتش شده بود. در این لحظه بود که ۴جوان خشن مرحله دوم نقشه‌شان را اجرا کردند. هر چهارنفرشان در شرایطی که قمه به‌دست داشتند از خودرو پیاده شدندو به سمت او رفتند. همگی با قمه به او ضربه زدند و وقتی مطمئن شدند که وی را به قتل رسانده‌اند، از محل گریختند.

اعتراف به قتل

این جنایت در حالی رخ داد که چند شاهد، صحنه قتل را دیده بودند و در این شرایط هویت عاملان جنایت خیلی زود شناسایی و هر چهارنفر که بین ۲۰ تا ۲۳سال داشتند، دستگیر شدند. یکی از آنها درباره انگیزه‌اش از این جنایت گفت: مقتول مدام در محله برای ما مزاحمت ایجاد می‌کرد؛ به همین دلیل تصمیم گرفتیم که او را به قتل برسانیم. با خودمان فکر کردیم اگر ۴نفری این کار را انجام دهیم هیچ‌کدام‌مان قصاص نمی‌شویم.
اعترافات ۴متهم در شرایطی بود که آنها دچار اشتباه بزرگی شده بودند، چراکه مدتی بعد هر چهارنفرشان به اتهام مشارکت در قتل عمدی محاکمه شدند و دادگاه پس از اخذ آخرین دفاعیاتشان هر چهارمتهم را در مشارکت در قتل گناهکار دانسته و همگی را به قصاص محکوم کرد. در رأی دادگاه تأکید شده بود که اولیای دم پیش از اجرای حکم باید تفاضل دیه محکومان را پرداخت کنند. این رأی مدتی بعد در دیوان‌عالی کشور مهر تأیید خورد و همه‌چیز برای اجرای حکم قصاص آماده شد.

آخرین برگ پرونده

همه طرفین پرونده در یک محله ساکن بودند و سال‌ها در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند؛ به همین دلیل همه‌شان به‌خوبی یکدیگر را می‌شناختند. پس خانواده‌های محکومان چند واسطه نزد خانواده مقتول فرستادند تا با رایزنی رضایت آنها را جلب کنند. این تلاش‌ها ادامه داشت و از سوی دیگر اولیای دم در فراهم کردن تفاضل دیه مشکل داشتند. آنها باید برای اجرای حکم، دیه کامل ۳مرد مسلمان را به محکومان پرداخت می‌کردند. در این شرایط بود که رسیدگی به این پرونده حدود ۱۰سال طول کشید. چند روز قبل اولیای دم سرانجام توانستند پول موردنیاز را تهیه کنند و پس از واریز این مبلغ به‌حساب دادگستری، تشریفات اجرای حکم انجام شد. محکومان زمانی که حدود ۲۰سال داشتند بازداشت و زندانی شده بودند و حالا همه‌شان حدود ۳۰سال داشتند. آنها باورشان نمی‌شد که قرار است به‌خاطر قتلی که با مشارکت یکدیگر مرتکب شده‌اند، قصاص شوند. صبح روز اجرای حکم آنها برای آخرین مرتبه از اولیای دم درخواست بخشش کردند، اما آنها موافقت نکردند و به این ترتیب با قصاص ۴پسر جوان آخرین برگی که در این پرونده قرار گرفت، گواهی فوت قاتلان بود.

گفت و گو

چرا ۴ نفر برای یک قتل قصاص شدند

فاطمه یاس جعفری، وکیل دادگستری / در پرونده‌های قتل

اینطور است که وقتی یک نفر مرتکب قتل یک نفر دیگر می‌شود، او به‌دلیل جانی که گرفته به قصاص محکوم می‌شود، اما اگر چند نفر در قتل یک نفر مشارکت داشته باشند و رفتار هر یک از آنها کشنده و موجب مرگ شده باشد، چه مجازاتی در انتظار مرتکبان خواهد بود؟
براساس ماده ۳۷۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، درصورتی که چند نفر یک نفر را به قتل برسانند، طوری که میزان مشارکت آنها در جنایت یکسان باشد، به طوری که هر کدام از آنها اگر به تنهایی نیز این رفتار را مرتکب می‌شدند قتل اتفاق می‌افتاد، در این شرایط همه مشارکت‌کنندگان در قتل به قصاص محکوم خواهند شد. در این ماده آمده است: «در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی علیه یا ولی دم می‌تواند یکی از شرکا در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص‌شونده بپردازند یا اینکه همه شرکا یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند؛ مشروط بر اینکه دیه مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص، به قصاص‌شوندگان بپردازد. اگر قصاص‌شوندگان همه شرکا نباشند، هریک از شرکا که قصاص نمی‌شود نیز باید سهم خود از دیه جنایت را به نسبت تعداد شرکا بپردازد.» در تبصره این ماده نیز آمده: «اگر مجنی علیه یا ولی دم، خواهان قصاص برخی از شرکا باشد و از حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت یا با آنان مصالحه کند، درصورتی که دیه قصاص‌شوندگان بیش از سهم جنایتشان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص‌شوندگان بپردازد.» این ماده به این معناست که اگر هرچند نفر در قتل یک نفر مشارکت داشته باشند، اولیای دم می‌توانند یک نفر یا همه مرتکبان را قصاص کنند، اما پیش از اجرای حکم باید دیه مازاد را بپردازند. به‌معنای ساده‌تر چون آنها یک نفر را از دست داده‌اند حق قصاص یک نفر را دارند، اما برای مجازات بیش از یک نفر باید دیه او را پرداخت کنند تا حکم قصاصی که دادگاه صادر کرده قابلیت اجرا داشته باشد.

پابند الکترونیکی دزد موتورها را گیر انداخت

پابند الکترونیکی که به پای یک مجرم سابقه‌دار بسته شده بود، اسرار سرقت‌های او را فاش کرد.
به گزارش همشهری، چند روز قبل سارق ناشناسی یک دستگاه موتور را از مقابل خانه‌ای در شمال تهران سرقت کرد و صاحب موتور وقتی با جای خالی آن روبه‌رو شد پلیس را در جریان قرار داد. دقایق زیادی از این سرقت نگذشته بود که صاحب یک طلافروشی در همان حوالی با پلیس تماس گرفت و گفت که مرد مشکوکی را مقابل مغازه‌اش دیده است.
او توضیح داد: داخل مغازه بودم که متوجه رفتارهای مشکوک مردی جوان شدم. او کنار موتورسیکلتی ایستاده بود، ماسک به‌صورت و کلاه مشکی به سر داشت. چهره‌اش را به خوبی ندیدم، اما متوجه پابندی شدم که به پایش بسته شده بود. کمی بعد او سوار موتور شد و رفت اما من که به او مشکوک بودم، تصمیم گرفتم پلیس را در جریان قرار دهم.
گفته‌های مرد طلافروش و شکایت صاحب موتور این فرضیه را که سرقت موتور از سوی همان جوانی صورت گرفته که پابند الکترونیکی داشته است، مدنظر قرار داد. مأموران به بررسی داده‌های اتاق کنترل پابندهای الکترونیکی پرداختند و متوجه شدند تنها پابندی که روز حادثه مختصات آن با مختصات مغازه طلافروشی یکی بوده به پای مجرم سابقه‌داری به نام شهروز بسته شده بود.
خیلی زود محل زندگی این فرد شناسایی شد و مأموران راهی خانه او شدند. این مجرم سابقه‌دار که با دیدن پلیس شوکه شده بود، دست داشتن در هر سرقتی را انکار کرد اما در بازرسی خانه‌اش موتورسیکلت سرقتی کشف شد. به این ترتیب سارق سابقه‌دار نه‌تنها به سرقت این موتور بلکه به چند سرقت دیگر هم اعتراف کرد و تحقیقات تکمیلی از او زیرنظر بازپرس شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت ادامه دارد.

گفت و گو

فکر می‌کردم پابند خراب است

شهروز ۲۷ساله است. او بیش از ۵مرتبه سابقه دستگیری و زندانی‌شدن دارد و اواخر سال گذشته بود که از زندان آزاد شد. اما با وجود اینکه پابند به پایش بسته شده بود، دوباره تصمیم به سرقت گرفته بود که خیلی زود دستش رو شد. گفت‌وگو با او را بخوانید.

چطور جرأت کردی با پابند الکترونیکی، راهی سرقت شوی؟
به ۲دلیل؛ اول اینکه تصور می‌کردم سیستم پابند و ردیابی پلیس خراب است. حتی دستگاه را دستکاری هم کردم و به گمان اینکه اسباب‌بازی است و پلیس نمی‌تواند مرا ردیابی و کنترل کند، راهی سرقت شدم.
دلیل دومت چه بود؟
تخصص اصلی من سرقت منزل بود که کار سختی است! مخصوصا با پابند نمی‌شود با آن وارد خانه‌ها شد. شگردم را تغییر دادم به سرقت موتور. البته در سرقت موتور هم تخصص دارم و آن اوایل که خلاف را شروع کردم، یکی دو مرتبه به جرم سرقت موتور دستگیر شدم.
چه زمانی به پایت، پابند بسته شد؟
اواخر پارسال. به محض آزادی از زندان. درواقع هنوز درهای زندان باز نشده بود که همانجا به پایم، پابند بستند.
آخرین بار به چه اتهامی زندان بودی؟
سرقت از خانه‌ها. مجازات سرقت منزل سنگین است. درست است که ممکن است پول خوبی گیرت بیاید اما خب خطر و ریسکش بالاست. به همین دلیل چند سالی زندان بودم.
از شیوه و شگرد سرقت‌های جدیدت با پابند بگو؟
برای مجرمان اسم و رسم‌دار کار می‌کردم. افراد سابقه‌داری که برای سرقت‌هایشان، سفارش موتور می‌دادند. من مدل و مشخصات را از سر کرده باند می‌گرفتم و سپس راهی خیابان‌های پایتخت می‌شدم و با دیدن موتور مورد نظر، نقشه سرقتم را اجرا می‌کردم. همان روز هم موتور سرقتی را به‌دست سرکرده‌های باند می‌رساندم و دستمزدم را می‌گرفتم.
انگیزه‌ات از سرقت چه بود؟
به دست آوردن پول. من زندگی بدی نداشتم اما سال‌ها قبل معتاد به شیشه شدم. بعد به گل روی آوردم و دیگر نتوانستم خوب کار کنم. قبلا در دوران نوجوانی نجار بودم، اما بعد از اعتیاد و دوستی با افراد خلافکار، پایم باز شد به دنیای تبهکاران. اما این‌بار اگر آزاد شوم توبه خواهم کرد؛ توبه واقعی.

کابوس دوباره قاتلی که فکر می‌کرد از قصاص گریخته است

مردی که به اتهام قتل همسر سابقش به قصاص محکوم شده بود، از سوی مادرزنش بخشیده و آزاد شد، اما حالا پدرزن او پس از سال‌ها بی‌خبری، راهی دادسرا شده و درخواست اجرای حکم کرده است. به گزارش همشهری، شروع این پرونده به سی‌ام شهریور سال ۹۱ برمی‌گردد. آن روز مردی که به‌دلیل اختلافات خانوادگی با همسر سابقش درگیر شده بود، او را با ضربات چاقو به قتل رساند و خیلی زود از سوی پلیس دستگیر شد. او در اعترافاتش گفت: من و همسر سابقم، مدام با هم دعوا و درگیری داشتیم. ما یک‌بار از هم طلاق گرفتیم اما به‌خاطر دخترمان، مجددا با هم ازدواج کردیم. با این حال اختلافاتمان حل نشد و برای بار دوم از هم جدا شدیم.
وی ادامه داد: حضانت دخترم به رویا سپرده شده بود و من هر از گاهی به دیدن او می‌رفتم. هر وقت به دیدن دخترم می‌رفتم، از همسر سابقم می‌خواستم دوباره با هم ازدواج کنیم اما او راضی نمی‌شد. روز حادثه درحالی که دخترمان مدرسه بود، با همسر سابقم صحبت کردم اما او نمی‌خواست با من ازدواج کند. سر همین مسئله درگیر شدیم، من که عصبانی بودم با ضربات چاقو او را به قتل رساندم و بعد خودزنی کردم که زنده ماندم.
مرد جنایتکار مدتی بعد در دادگاه به قصاص محکوم شد و این حکم به تأیید دیوانعالی کشور هم رسید. او در یک قدمی مجازات قصاص بود که مادر مقتول به دادسرای جنایی تهران رفت و به‌خاطر رضای خدا و نوه‌اش، قاتل دخترش را بخشید. پس از رضایت یکی از اولیای‌دم، تیم صلح و سازش دادسرای جنایی تلاش زیادی برای جلب رضایت پدر مقتول کرد؛ اما وی که حضانت فرزند مقتول را هم به‌عهده دارد، حاضر نشد برای تعیین تکلیف قاتل به دادسرا مراجعه کند. در این شرایط قاتل که در زندان بلاتکلیف مانده بود از دادگاه درخواست کرد تا با سپردن وثیقه، مجوز آزادی موقت او را صادر کنند. دادگاه نیز موافقت کرده و مرد زندانی توانست ۶سال پیش با سپردن وثیقه از زندان آزاد شود.

قصاص

این پرونده همچنان روی میز شعبه دوم اجرای احکام باز بود تا اینکه چند روز قبل پدر رویا به دادسرا رفت و خواستار قصاص قاتل دخترش شد. وی گفت: من از همان ابتدا تصمیم داشتم دامادم را قصاص کنم و در جلسه دادگاه هم از طرف خودم و نوه‌ام درخواست قصاص دادم. اما من شهرستان زندگی می‌کنم و در این مدت نتوانستم پیگیر پرونده قتل دخترم باشم تا اینکه مدتی قبل متوجه شدم قاتل دخترم با گذاشتن وثیقه از زندان آزاد شده است. الان آمده‌ام تا دوباره درخواست قصاص بدهم و حاضرم مابه‌التفاوت دیه را پرداخت کنم تا هرچه زودتر قاتل دخترم قصاص شود.
با درخواست مرد میانسال، قاضی اجرای احکام دستور بازداشت مرد محکوم به قصاص را صادر کرده است.

داخلی

سارق حرفه‌ای ۱۵نفر را خواب کرد

دزد حرفه‌ای که با ریختن داروی خواب‌آور در آبمیوه، راننده‌ها را خواب و حساب آنها را خالی می‌کرد، دستگیر شد.
به گزارش همشهری، مدتی قبل کارآگاهان پلیس آگاهی استان خوزستان در جریان سرقتی عجیب در یکی از شهرها قرار گرفتند. مالباخته، راننده یک تاکسی اینترنتی بود که می‌گفت: ساعاتی قبل فردی اینترنتی درخواست ماشین کرد و من قبول کردم. وقتی سوار شد، شروع به حرکت کردم، اما در بین راه وی با ادعای اینکه هوا گرم است، ۲پاکت آبمیوه خنک خرید که وقتی آبمیوه را نوشیدم، به خواب رفتم. ساعاتی بعد وقتی بیدار شدم از آن مرد خبری نبود. او فقط گوشی‌ام را سرقت کرده بود، اما بعد از کمی پیگیری متوجه شدم که موجودی حساب‌های بانکی‌ام را که همه اطلاعات آنها در گوشی ذخیره بود، سرقت کرده است.
با شکایت این مرد، تحقیقات پلیس برای شناسایی و دستگیری سارق حرفه‌ای آغاز شد و درحالی که هنوز ردی از متهم به‌دست نیامده بود، پلیس در جریان شکایت‌های مشابه دیگری هم قرار گرفت؛ شکایت‌هایی که نشان می‌داد سارق حرفه‌ای با این شگرد از چند راننده اینترنتی دیگر هم سرقت و حساب بانکی آنها را خالی کرده است. کارآگاهان با بررسی‌های تخصصی موفق شدند متهم را شناسایی و وی را در یک عملیات ضربتی دستگیر کنند.
به گفته سرهنگ سیروس دریکوند، با دستگیری این فرد، وی به ۱۵فقره سرقت اعتراف کرد و مدعی شد که ۱۰فقره از سرقت‌ها در شهرهای تهران، کرج، شیراز و کرمانشاه بوده و بقیه آنها را در استان خوزستان انجام داده است.

دستگیری رمال اینستاگرامی

رمال اینستاگرامی پس از کلاهبرداری میلیونی از ۵نفر از طعمه‌هایش، دستگیر شد.
به گزارش همشهری، تحقیقات پلیس شهرستان فردیس در استان البرز برای دستگیری این مرد با شکایت یکی از مالباخته‌ها آغاز شد. این فرد می‌گفت که برای حل مشکلات فراوان شخصی‌اش به‌دنبال یک دعانویس بوده که در اینستاگرام با صفحه یک رمال آشنا شده است. رمال اینستاگرامی پس از شنیدن مشکلات شاکی به او قول داده نسخه‌ای در اختیار وی قرار دهد که باعث شود همه مشکلاتش حل شود و در ازای آن ۶میلیون تومان از او دریافت کرده بود، اما شاکی پس از به‌دست آوردن نسخه و پرداخت پول، نه‌تنها مشکلاتش برطرف نشده که بیشتر هم شده بود.
با شکایت این فرد، مأموران پلیس وارد عمل شدند و با بررسی صفحه اینستاگرامی مرد رمال متوجه شدند او با این شگرد از چند نفر دیگر هم کلاهبرداری کرده است. در این شرایط دستور بازداشت او صادر شد و مأموران پلیس بعد از دستگیری وی، در بازرسی از خانه‌اش با مقداری طلا روبه‌رو شدند که او در ازای نوشتن نسخه‌های خوشبختی از طعمه‌هایش دریافت کرده بود.
به گفته سرهنگ کامران ملکی، فرمانده انتظامی شهرستان فردیس، متهم تاکنون به انجام ۵فقره کلاهبرداری از شهروندان با این شیوه اعتراف کرده و تحقیقات از او ادامه دارد.

بازداشت ۳قاچاقچی با ۸۶کیلو شیشه

ماموران پلیس مبارزه با موادمخدر در شهریار در جریان دستگیری ۳قاچاقچی، موفق به کشف ۸۶کیلوگرم شیشه شدند. به گزارش همشهری، سردار مهدی کرمی، جانشین فرمانده انتظامی غرب استان تهران با اعلام جزئیات این پرونده گفت: مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر شهرستان شهریار در راستای مقابله با توزیع‌کنندگان موادمخدر طرح‌های مختلفی را به مرحله اجرا درآورد ندکه در جریان آن با انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی از فعالیت یک قاچاقچی سابقه‌دار موادمخدر با خبر شدند و رسیدگی به آن را در دستورکار خود قرار دادند.
وی ادامه داد: پس از اطمینان مأموران از فعالیت این سوداگر مرگ و همدستانش مأموران با اجرای یک عملیات پلیسی، او و ۲همدستش را دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌داد که دستگیرشدگان ازجمله توزیع‌کنندگان عمده موادمخدر در شهرستان شهریار هستند.
جانشین فرمانده انتظامی تهران بزرگ با بیان اینکه خودروی سواری این افراد نیز توقیف شده است، گفت: مأموران بیش از ۸۶کیلوگرم موادمخدر از نوع شیشه را نیز از این سوداگران مرگ کشف و ضبط کرده‌اند.
کرمی با بیان اینکه این افراد در جریان بازجویی‌های انجام‌شده به جرم خود اعتراف کرده‌اند، گفت: برای هر سه متهم پرونده‌ای تشکیل شده، آنان برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادسرا شده‌اند و تحقیقات تکمیلی در این خصوص همچنان ادامه دارد.